

اصل استقلال قضایی در دیوان بین‌المللی کیفری

محمود جلالی^{۱*}، سلمان زیلابی^۲

۱. دانشیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه غیردولتی - غیرانتفاعی اشرافی اصفهانی، اصفهان، ایران

پذیرش: ۹۳/۶/۳۱

دریافت: ۹۲/۱۱/۲۸

چکیده

یکی از بنیادی‌ترین معیارهای محاکمه عادلانه حق برخورداری از دادرسی توسط محکمه‌ای مستقل و بی‌طرف است. در نظام حقوقی دنیای معاصر، این اصل یک اصل کلی حقوق به شمار می‌رود که اغلب اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر بر احترام به آن تأکید فراوان دارند. بدین جهت اصل موصوف در تمام نظام‌های حقوقی جهان از جایگاه رفیعی برخوردار است. برای تعمیم اصل استقلال و بی‌طرفی قضایی که زیر بنای حق «محاکمه عادلانه» به شمار می‌رود، نسبت به دادرسان و دادرسی‌های دیوان بین‌المللی کیفری دلایل کافی وجود دارد. اساسنامه رم، سند مؤسس دیوان بین‌المللی کیفری و دیگر قوانین و مقررات مرتبط با آن نیز در بر دارنده قواعدی برای تأمین و تضمین این اصل ارزشمند است. علیرغم این واقعیت، به منظور دستیابی کامل به این هدف، اساسنامه در برخی از زمینه‌ها نیازمند اصلاح و بازنگری است. این مقاله ضمن بررسی برخی موضوعات مربوط به استقلال دیوان بین‌المللی کیفری و قضات آن، سعی در مطالعه و شناسایی زمینه‌های تضعیف‌کننده این اصل دارد.

واژگان کلیدی: محاکمه عادلانه، دیوان بین‌المللی کیفری، استقلال قضایی، بی‌طرفی قضایی

Email: dm_jalali@yahoo.com

* نویسنده مسؤول مقاله:



1. مقدمه

حق محاکمه توسط یک دادگاه مستقل و بی طرف از حقوق مهم و ضروری است که برای حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر نیز به صراحت به رسمیت شناخته شده است. در حقوق بین‌الملل کیفری مباحث مربوط به استقلال و بی طرفی قضایی بعد از محاکمه سران نازی در دیوان نورنبرگ و مجرمین ژاپنی در دیوان توکیو، برای اولین بار به طور جدی مطرح شد. بعد از حضور متهمین در دیوان‌های رسیدگی‌کننده به جرائم ارتكابی در سرزمین‌های یوگسلاوی سابق و رواندا این بار فقدان استقلال و بی طرفی این دیوان‌ها از سوی متهمین مورد ایراد قرار گرفت. به محض این‌که این دو دیوان ویژه کارشان را شروع کردند استقلال قضای‌شان توسط متهمانی که در محضر آن‌ها حضور پیدا کرده بودند مورد تردید و اعتراض قرار گرفت. در 17 ژوئای 1998 کنفرانس تام‌الاختیار ملل متحد در رم برگزار و تشکیل دیوان بین‌المللی کیفری را پذیرفت. دیوان به عنوان دیوان بین‌المللی کیفری دائمی در سال 2002 شروع به کار کرد. برخلاف دیوان‌های موقت بین‌المللی، خصیصه دائمی بودن، صلاحیت تکمیلی و سازوکارهای در نظر گرفته شده برای اعمال صلاحیت این دیوان، ضرورت توجه به آن را بیش از گذشته با اهمیت می‌نماید. بخشی از دیباچه اساسنامه رم تصریح می‌کند: «با در نظر گرفتن این‌که در طول قرن حاضر میلیون‌ها کودک، زن و مرد قربانی فجایع و ددمنشی‌های غیر قابل تصویری شده‌اند که وجدان بشریت را به شدت تکان داده است، دولت‌ها مصمم هستند که به مصونیت مرتکبان این جرائم پایان دهند و از وقوع جرائم مشابه پیشگیری کنند. همچنین مصمم به تضمین احترام دائم به اجرای عدالت بین‌المللی هستند».

بدیهی است اجرای عدالت کیفری بین‌المللی کاملاً وابسته به استقلال و بی طرفی دادرسان است. از این جهت ضروری است دستیابی به آن دقیقاً مورد بررسی قرار گیرد. دادرسی قضایی بدون رعایت اصل استقلال و بی طرفی قاضی، دادرسی واقعی نیست و حاصلی جز بی اعتباری و هتک حرمت دادرسی قضایی بین‌المللی به بار نخواهد

آورد. از این رو در این مقاله سعی شده با بررسی اساسنامه رم و دیگر قوانین و مقررات حاکم بر فعالیت دیوان، گوشه‌هایی از زوایای تاریک موضوع مورد بررسی قرار گیرد.

2. محاکمه عادلانه و تعمیم آن به محاکمات بین‌المللی کیفری

«محاکمه عادلانه»¹ یکی از اصول بین‌المللی حقوق بشر است که توسط بسیاری از کشورها در قوانین آیین‌دادرسی مورد قبول واقع شده است. این حق برای حمایت از اشخاص در مقابل محرومیت و تحدید غیرقانونی و مستبدانه از دیگر حقوق و آزادی‌های اساسی وضع شده است [1، ص 66]. رعایت این اصول در رسیدگی‌ها موجب می‌شود در برخورد با اصحاب دعوا انسانیت افراد فراموش نشده، عدالت و انصاف در حق آنان رعایت شود. رعایت این حق نشانگر آن است که جامعه به آن حد از عقلانیت رسیده که از اشتباه، سوءاستفاده و غرض‌ورزی جلوگیری کند. برخلاف آنچه معمول است، دادرسی عادلانه تضمین حقوق دفاعی متهم نیست، بلکه دادرسی عادلانه در معنای دقیق خود، به دنبال حفظ و حمایت از حقوق و آزادی‌های تمامی افرادی است که به نوعی در فرایند دادرسی سهیم هستند [2، ص 15].

معیارهای محاکمه عادلانه از لحظه‌ای که تعقیب علیه متهم شروع می‌شود تا زمانی که محاکمات، از جمله محاکمات استینافی کامل شده باشند، باید محترم شمرده شود [3، ص 4-1]. یکی از بنیادی‌ترین این معیارها که زیربنای حق محاکمه عادلانه است و معمولاً در مرحله دادرسی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد حق بهره‌مندی از دادرسی توسط یک دادگاه مستقل² و بی‌طرف³ است. از آن‌جا که تنها یک نهاد قضایی مستقل و بی‌طرف قادر است عدالتی بی‌طرفانه بر پایه‌های قانون استوار سازد، در

1. Fair Trial
2. Independence
3. Impartial

نوشته‌های حقوقی از این معیار به‌عنوان یک اصل مهم دادرسی یاد شده است [4، ص 115]. این اصل موجب یکی از بنیادی‌ترین اصول حقوق بشر است. چنان‌که شعبه پژوهش دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در قضیه فوروندژیا¹ نظر داد: «این اصل که لازم است متهم نزد محکمه‌ای مستقل و بی‌طرف محاکمه شود جزء لاینفک اصل ضرورت محاکمه منصفانه متهم و از حقوق اساسی وی بوده، مورد قبول همگان است» [5، ص 486].

3. قانونی بودن تشکیل دیوان بین‌المللی کیفری

اولین موضوعی که باید در مورد استقلال و بی‌طرفی دیوان بررسی شود این است که آیا دیوان به موجب قانون ایجاد شده است یا خیر؟ اگر پاسخ این پرسش منفی است، نیازی نیست که عناصر دیگر شرح داده شوند [6، ص 249]. هدف کلی این اصل تضمین این است که اتهامات جزایی توسط دادگاهی مورد رسیدگی قرار گیرد که قبل از شکل‌گیری پرونده‌ای خاص مستقلاً ایجاد شده باشد و نه پس از آن و برای رسیدگی به جرم مذکور، دادگاه برای مستقل بودن باید به موجب قانون برای انجام وظایف قضایی ایجاد شده باشد؛ یعنی تعیین موضوعات در صلاحیت آن بر مبنای قواعد ماهوی قانونی و مطابق روش‌هایی که به روشنی تعیین شده‌اند (آیین دادرسی)، پیش برده شود [3، ص 14].

قانونی بودن در نظام حقوقی بین‌المللی، به مفهوم کلاسیک آن، اجمالاً به معنای ابتنای یک امر بر معاهده، عرف و یا اصول کلی حقوقی است. از این رو هنگام سخن گفتن از قانونی بودن محاکم بین‌المللی، مقصود آن است که این دادگاه‌ها مبتنی بر یکی از منابع حقوق بین‌الملل از جمله معاهده باشند و یا حداقل مغایر با قواعد حقوقی بین‌المللی نباشند [7، ص 136]. البته تشکیل دیوان از طریق معاهده، اطمینان از پذیرش وجود چنین محکمه‌ای توسط تعداد بیشتری از اعضای جامعه بین‌المللی و بخصوص همکاری با آن

1. Furundzija

است [7، ص 9؛ 8، ص 157]. استقبال بی‌نظیر کشورها از اساسنامه و پذیرش آن، نشان از سازگاری مفاد اساسنامه با آرمان دیرین بشر یعنی اجرای عدالت دارد [9]. برخلاف دیوان‌های کیفری بین‌المللی قبلی که بعد از وقوع وقایع اتفاقی، با هدف مجازات افرادی خاص به وجود آمدند و از این نظر فقدان استقلال و بی‌طرفی ساختاری آن‌ها مورد تردید است، به موجب ماده 11 اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری: الف) دیوان تنها نسبت به جرائمی صلاحیت دارد که بعد از لازم‌الاجرا شدن این اساسنامه ارتکاب یافته باشند، ب) اگر دولتی پس از لازم‌الاجرا شدن این اساسنامه عضو آن شود، دیوان فقط نسبت به جرائمی اعمال صلاحیت می‌کند که پس از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه در مورد آن دولت ارتکاب یافته باشد، مگر آن‌که آن دولت اعلامیه‌ای به موجب بند 3 ماده 12 داده باشد. به علاوه، اساسنامه دیوان یک معاهده چندجانبه بین‌المللی است. از این رو تابع قواعد حاکم بر معاهدات است. اصل «عدم تأثیر معاهدات به زمان قبل از لازم‌الاجرا شدن» به‌عنوان یک قاعده کلی حاکم بر معاهدات، در ماده 28 کنوانسیون 1969 وین در مورد معاهدات¹ پذیرفته شده است [10، ص 95]. بنابراین، تحت هیچ شرایطی، خواه پذیرش اساسنامه از طرف دولت‌ها قبل از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه صورت گرفته باشد و خواه عضویت دولت‌ها بعد از لازم‌الاجرا شدن باشد و یا این‌که به موجب بند «ب» ماده 13 ارجاع از طرف شورای امنیت صورت گرفته باشد و دیوان صلاحیت رسیدگی پیدا کند، صلاحیت دیوان به قبل از لازم‌الاجرا شدن آن تسری پیدا نمی‌کند.

4. علنی بودن محاکمات دیوان بین‌المللی کیفری

در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری اصل بر برگزاری دادرسی‌ها به صورت علنی است. به موجب بند 1 ماده 67، دادرسی علنی از جمله حقوق متهم شمرده شده است.

1. Vienna Convention on the Law of Treaties (1969)

طبق این بند، برای احراز هر اتهامی متهم این حق را دارد که با رعایت مقررات اساسنامه به طور علنی مورد محاکمه قرار گیرد. به علاوه، بند 7 ماده 63 تصریح می‌کند که دادرسی باید به صورت علنی انجام شود. با وجود این، شعبه بدوی می‌تواند بنا به جهات مذکور در ماده 68 و یا به منظور حفاظت از اطلاعات حساس و محرمانه‌ای که به‌عنوان دلیل قرار است ارائه شود، دستور انجام مراحل از دادرسی را به صورت غیرعلنی صادر کند. بند 2 ماده 68 در این خصوص تصریح می‌کند: «به منظور حفظ بزه‌دیدگان و شهود و یا متهم می‌توان هر مرحله‌ای از مراحل دادرسی را به صورت غیرعلنی برگزار کرد و یا اجازه داد که ارائه ادله از طریق وسایل الکترونیکی یا وسایل خاص صورت گیرد».

همچنین ماده 20 قواعد دیوان [11] که در سال 2004 به تصویب قضات دیوان رسیده بیان می‌دارد: «تمام دادرسی‌ها علنی برگزار خواهد شد. در صورتی که شعبه‌ای مقرر کند که دادرسی‌های مشخصی، غیرعلنی برگزار شود، باید دلایل خود را برای صدور چنین دستوری اعلام کند. همچنین شعبه می‌تواند دستور انتشار تمام یا بخشی از سابقه دادرسی‌های غیرعلنی را صادر کند؛ به شرطی که دلایل صدور دستور قبلی (غیرعلنی بودن دادرسی) منتفی شده باشد». به موجب ماده 21 قواعد دیوان نیز علنی بودن دادرسی‌ها ممکن است فراتر رفته، توسط دبیرخانه از طریق رادیو و تلویزیون پخش شده یا رونوشت سوابق منتشر شود. اساسنامه در رابطه با صدور احکام علنی نیز به موجب بند 5 ماده 74 بیان می‌دارد که رأی و خلاصه‌ای از آن در جلسه‌ای علنی قرائت خواهد شد. همچنین به موجب بند 4 ماده 76 «مجازات‌های تعیین شده باید اعلام شود و در صورت امکان این امر باید در حضور محکوم‌علیه صورت گیرد». همچنین به موجب بند 4 ماده 83، رأی شعبه تجدیدنظر باید در جلسه علنی قرائت شود. متعاقباً ماده 8 قواعد دیوان انتشار احکام و قرارهای دیوان را به‌عنوان یکی از مواردی که باید در وبسایت دیوان انتشار یابد، برشمرده است.

رسیدگی‌های علنی دیوان، تضمینی است برای بی‌طرفی و عادلانه بودن و استقلال

آن. به علاوه، محاکمات علنی به بالا بردن اعتماد عموم در خصوص اجرای عدالت کمک می‌کنند [12، ص 16]. علنی بودن هم به نفع متهم است هم به نفع قاضی. این شیوه رسیدگی، حقوق دفاعی متهم را در پناه نگاه تیزبین عموم از تجاوز دادرس مصون داشته، امکان برخورداری از آن‌ها را برای وی فراهم می‌سازد. از سوی دیگر، برگزاری جلسات دادرسی به صورت علنی، شائبه خروج دادرس از بی‌طرفی و صدور احکام مورد علاقه حکومت را نیز از بین می‌برد [13، ص 189].

5. استقلال دیوان از دولت‌ها

دولت‌ها ممکن است از ابتدای تأسیس یک دادگاه بین‌المللی تا نحوه فعالیت آن، نقش اساسی داشته باشند. این موارد می‌تواند موضوعاتی مثل انتخاب قضات، تأمین بودجه و... را در بر گیرد. به موجب بند 1 ماده 4 اساسنامه، دیوان بین‌المللی کیفری دارای شخصیت حقوقی مستقل از دولت‌ها است و اهلیت قانونی لازم برای انجام وظایف و اجرای مقاصد خود را دارد. به موجب یک قاعده کلی، سازمان‌های بین‌المللی به دلیل داشتن اراده‌ای مستقل و صلاحیتی ممتاز از دولت‌های عضو، به‌عنوان اشخاص حقوقی حقوق عمومی بین‌المللی شناخته می‌شوند. این سازمان‌ها جهت اجرای وظایفی که از طرف اساسنامه بر عهده‌شان قرار داده شده است دارای صلاحیت حقوقی لازم هستند [14، ص 43]. با توجه به تفکیک دولت‌ها به دولت‌های عضو و دولت‌های غیرعضو در اساسنامه دیوان، مسأله شیوه ارتباط دیوان و قضات آن از این دولت‌ها، باید به تفکیک مورد بررسی قرار گیرد.

5-1. استقلال دیوان از دولت‌های غیرعضو

مطابق ماده 34 عهدنامه حقوق معاهدات وین یک معاهده نمی‌تواند بدون رضایت ثالث حقوق و تعهداتی برای او به وجود آورد [15، ص 111]. بنابراین، چون اساسنامه یک



معاهده چند جانبه بین‌المللی است، حقوقی را برای دولت‌های غیرعضو متصور نیست و برای این دسته از دولت‌ها نمی‌توان نقش محسوسی در تشکیلات و اداره دیوان قائل گردید تا استقلال و بی‌طرفی دیوان را با چالش مواجه کنند. با وجود این، به موجب بند 2 ماده 4 اساسنامه، دیوان می‌تواند به انجام وظایف و اعمال اختیارات خود در قلمرو هر دولت غیرعضوی به موجب موافقتنامه ویژه‌ای که با آن دولت منعقد می‌سازد، بپردازد. بدیهی است با وجود بند 3 ماده 21، اجرا و تفسیر مفاد اساسنامه باید با حقوق بشر شناخته شده بین‌المللی سازگار باشد و از آن‌جا که حق محاکمه شدن توسط دادگاه و قضاتی مستقل و بی‌طرف، حقی اساسی و مسلم است و اسناد بین‌المللی بی‌شماری نیز آن را تأیید می‌کنند، این توافقنامه نمی‌تواند به گونه‌ای تنظیم شود که بر استقلال و بی‌طرفی دیوان و قضات آن تأثیر منفی داشته باشد. برای مثال دیوان و کشور غیرعضو نمی‌توانند توافق کنند در قبال واگذاری حق اعمال اختیار دیوان در کشور غیرعضو، دیوان و قضات آن در رسیدگی به اتهامات رئیس‌جمهور آن کشور که در جنگی تجاوزکارانه علیه یکی از کشورهای عضو مرتکب جرائم جنگی شده، به نفع وی حکم دهد. طبق بند 1 ماده 112 اساسنامه نیز دولت‌هایی که این اساسنامه یا سند نهایی را امضا اما هنوز تصویب نکرده‌اند، می‌توانند در مجمع ناظر باشند. حکم این ماده هیچ تأثیری بر فرایند انتخاب قضات نخواهد گذاشت.

2-5. استقلال دیوان از دولت‌های عضو

از آن‌جا که دیوان به موجب توافق جمعی از دولت‌ها به وجود آمده است، دولت‌های عضو در شکل‌گیری و اداره دیوان نقشی تعیین‌کننده و فعال داشته و خواهند داشت. طیف گسترده‌ای از امور اداری، نظیر نظارت اداری کلی بر مأموران دیوان، پذیرش بودجه، افزایش شمار قضات و غیره بر عهده مجمع دول عضو است. مجمع دول عضو همچنین تشکلی برای پذیرش اصلاحات نسبت به اساسنامه است. مجمع همچنین مسؤول تکمیل کار ناتمام کنفرانس رم است که در آن باید سند عناصر جرائم، آیین

دادرسی و ادله، و سایر اسناد ضروری برای انجام وظایف دیوان پذیرفته شود [16]، ص 205]. به موجب بند 1 ماده 112 اساسنامه، هر دولت عضو یک نماینده در مجمع خواهد داشت که عضو علی‌البدل یا مشاورانی می‌توانند وی را همراهی کنند. مطابق بند 7 همین ماده در مجمع عمومی هر دولت عضو یک رأی خواهد داشت و تصمیمات مربوط به مسائل ماهوی باید به تصویب اکثریت دو سوم نمایندگان دولت‌های عضو برسد، مشروط بر این‌که اکثریت مطلق دولت‌های عضو حد نصاب رأی‌گیری را تشکیل دهند. تصمیمات مربوط به مسائل اجرایی با اکثریت نسبی دولت‌های عضو حاضر و رأی‌دهنده اتخاذ خواهد شد.

مجمع دولت‌های عضو دیوان نیز متشکل از نمایندگان سیاسی و دیپلمات‌های کشورهای عضو است که با توجه به ملاحظات سیاسی کشورهای خود درخصوص موضوعات حساس مذکور تصمیم‌گیری می‌کنند [17]، ص 18]. سؤالی که مطرح می‌شود این است که در اجرای بند 4 ماده 112 اساسنامه، آیا مجمع دولت‌های عضو می‌تواند اقدام به تأسیس نهادی کند که با انجام بازرسی‌ها بر قضات دیوان تأثیرگذار باشد؟ بدیهی است که مطابق بند 3 ماده 21 اجرا و تفسیر مفاد اساسنامه باید با حقوق بشر شناخته شده بین‌المللی سازگار باشد. لذا از آن‌جا که محاکمه شدن توسط قضات مستقل و بی‌طرف یک اصل شناخته شده حقوق بشر بین‌المللی است، مجمع دولت‌های عضو در تصویب هر طرحی در این رابطه، ملزم به احترام به استقلال و بی‌طرفی دادرسان است و پاسخ به این پرسش منفی است.

6. استقلال دیوان از سازمان‌های بین‌المللی

امروزه سازمان‌های بین‌المللی دولتی بی‌تردید در زمره اعضای جامعه بین‌المللی و برخوردار از شخصیت حقوقی بین‌المللی به شمار می‌روند [7]، ص 185]. طبعاً این اشخاص بین‌المللی در کنار دولت‌ها، برحسب فلسفه وجودی‌شان و به تناسب

مأموریت‌های سپرده شده به آن‌ها از اقتدار و اختیاراتی برخوردارند که به واسطه آن حیات بین‌المللی را تحت تأثیر و نفوذ خود قرار می‌دهند، با دیگر نهادهای بین‌المللی تعامل و همکاری دارند و گاه خود برای حفظ و پویایی و انجام فعالیت‌ها و رسالتشان به تأسیس ارگان‌هایی فرعی مبادرت می‌ورزند [18، ص 133]. در این‌جا ارتباط دیوان با سازمان ملل متحد به‌عنوان یک نهاد بین‌المللی متولی تشکیل دیوان بین‌المللی کیفری و شورای امنیت با توجه به نقش قابل توجهی که اساسنامه برای آن در نظر گرفته است، مورد بررسی قرار گرفته است.

6-1. استقلال دیوان از سازمان ملل متحد

موضوع استقلال دیوان از سازمان در اجلاس رم مورد تأکید بسیاری از کشورها قرار گرفت. کشورهای نظیر انگلستان، ژاپن، آفریقای جنوبی، ونزوئلا، اندونزی و کره جنوبی بر استقلال دیوان از سازمان تأکید داشتند. نهایتاً ماده 2 اساسنامه دیوان مقرر داشت: «دیوان با سازمان ملل متحد به موجب موافقتنامه‌ای که باید به تصویب مجمع دولت‌های عضو این اساسنامه برسد و سپس به امضای رئیس دیوان از طرف دیوان برسد، رابطه برقرار خواهد کرد» [19، ص 247]. توافقنامه موصوف با قبول این‌که دیوان به‌عنوان یک سازمان دائمی مستقل در ارتباط با سازمان ملل تأسیس شده است در تاریخ 4/10/2004 بین سازمان و دیوان منعقد گردید و در تاریخ 22/7/2004 اجرایی شد [20]. دیوان و سازمان به اساسنامه و مرجعیت یکدیگر احترام می‌گذارند (ماده 3 توافقنامه). بنابراین، سازمان ملل متحد نیز استقلال دیوان را به رسمیت شناخته و متعهد به محترم شمردن آن است.

با توجه به مذاکرات انجام شده تردیدی نمی‌توان داشت در صورتی که قضیه‌ای از سوی سازمان جهت بررسی به دیوان ارجاع گردد، هزینه‌های آن نیز از سوی سازمان پرداخت خواهد شد که تصویب مجمع عمومی به منظور پرداخت این هزینه‌ها قطعاً ضروری است [19، ص 257]. در این رابطه دو نکته قابل تأمل است؛ نخست این‌که

میزان وجوه پرداختی را مجمع دولت‌های عضو که به موجب قسمت «د» بند 2 ماده 112 اساسنامه تصمیم‌گیری درخصوص بودجه دیوان را بر عهده دارد، مشخص خواهد کرد. این مقرر می‌تواند به تقویت استقلال دیوان کمک کند. دوم این‌که اگر هزینه‌های ناشی از ارجاع شورای امنیت، بیش‌تر از وجوهی باشد که سازمان پرداخت کرده است و دیوان نتواند از سایر منابع استفاده کند مسلماً استقلال دیوان با چالش مواجه خواهد شد؛ زیرا این امکان وجود دارد که با ارجاع وضعیت‌های متعدد از سوی شورای امنیت هزینه‌های زیادی بر دیوان تحمیل شود و دیوان را از رسیدگی به موضوعات دیگر باز دارد.

6-2. استقلال دیوان از شورای امنیت

به نظر کشورهای نظیر آمریکا در صورتی که دیوان بین‌المللی کیفری بتواند مستقل از شورای امنیت به رسیدگی به جرائم مهم بین‌المللی و به‌ویژه جرم تجاوز بپردازد مقررات منشور ملل متحد نادیده گرفته خواهد شد. در این دیدگاه دیوان باید از تصمیمات شورای امنیت تبعیت کرده، در مرحله بعد از شورا وارد عمل شود. معذک کشورهای زیادی بر استقلال دیوان از شورای امنیت همواره تأکید داشته‌اند [21، ص32].

به موجب ماده 13 اساسنامه و بند «ب» آن، چنانچه شورای امنیت وضعیتی را که به نظر می‌رسد در آن یک یا چند جرم ارتکاب یافته است، به موجب فصل هفتم منشور به دادستان ارجاع دهد، دیوان می‌تواند مطابق مقررات اساسنامه صلاحیت خود را نسبت به جرائم مذکور در ماده 5 اعمال کند. همچنین به موجب ماده 16 اساسنامه، اگر در اجرای فصل هفتم منشور قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت صادر شود و از دیوان درخواست شود تا تحقیق یا تعقیب را معلق سازد، هیچ تحقیق یا تعقیبی به موجب این اساسنامه نمی‌تواند به مدت 12 ماه شروع شود یا ادامه یابد. لذا تأثیر شورا بر استقلال دیوان در دو حالت فوق در ادامه به صورت مجزا مورد بررسی قرار گرفته است.

6-2-1. ارجاع یک وضعیت از طرف شورا

امکان ارجاع موضوع از سوی شورای امنیت به دیوان در طرح اول تهیه شده توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل پیش‌بینی شده بود. درخصوص ضرورت وجود چنین ماده‌ای دو دلیل عمده ارائه شده است، نخست وقتی دولت‌ها به‌تنهایی اختیار ارجاع قضیه یا پرونده‌ای را به دیوان داشته باشند دلیلی ندارد که به طور جمعی نتوانند این کار را انجام دهند. دلیل دیگر آن‌که اگر اختیار ارجاع موضوع به دیوان، به شورای امنیت داده نمی‌شد، این شورا می‌توانست در آینده و در صورت ضرورت نسبت به تأسیس دیوان‌های ویژه مانند یوگسلاوی و رواندا اقدام کند. به‌علاوه، اعطای این اختیار به شورای امنیت بر اختیارات موجود شورای امنیت براساس فصل هفتم منشور چیزی اضافه نمی‌کند و فقط به شورای امنیت این امکان را می‌دهد که از امکانات موجود استفاده کند [19، ص 258].

علاوه بر حکم ماده 16، به موجب بند 3 ماده 15 نیز اگر دادستان به این نتیجه برسد که مبنای مستدلی برای تحقیق وجود دارد، باید درخواستی را به ضمیمه کلیه اسناد و مدارک تأییدکننده‌ای که جمع‌آوری کرده است، برای گرفتن مجوز تحقیق به شعبه مقدماتی تسلیم کند. ماده 47 قواعد داری و ادله شکل و محتویات این درخواست را مشخص می‌کند. با وجود این، در مواردی که دادستان بر مبنای درخواست دولت‌ها و یا شورای امنیت شروع به رسیدگی می‌کند صدور مجوز قضایی از طرف شعبه مقدماتی لازم نیست [22، ص 252].

در نگاه اول ممکن است به نظر برسد که این حکم می‌تواند منجر به فشار سیاسی ماهوی بر دیوان شود؛ زیرا دولت‌ها و شورای امنیت به هر حال می‌توانند به جای دلایل قضایی برای ارجاع وضعیتی به دیوان، دلایل سیاسی داشته باشند؛ ولی چنین ترسی بی‌مورد است، زیرا دادستان زمانی که پرونده ارجاعی را دریافت می‌کند به طور خودکار تعقیب را شروع نمی‌کند، بلکه ملزم است به دقت بررسی کند آیا دلایل معقولی برای شروع به تعقیب وجود دارد یا خیر؟ تنها زمانی که درخصوص وضعیتی که به او

ارجاع شده متقاعد شود که زمینه‌های معقولی برای تعقیب وجود دارد، تعقیب را شروع خواهد کرد. دادستان در این مورد که مظنونین چه کسانی هستند و چه کسانی باید به محاکمه کشیده شوند، تصمیم‌گیری می‌کند [23، ص 6]. البته این تصمیم دادستان از سوی دولت ارجاع‌دهنده یا شورای امنیت در شعبه مقدماتی قابل تجدیدنظر است. به عبارت دیگر، تشخیص ادامه تحقیق یا توقف آن نهایتاً براساس صلاحدید دادستان است [24، ص 99]. به علاوه، اگر دیوان در پی تقاضای شورای امنیت اقدام به تعقیب پرونده‌ای کند، شورا باید در چارچوب اساسنامه عمل کند و نمی‌تواند از دیوان بخواهد که مثلاً به جنایات ارتكابی توسط خمرهای سرخ که در گذشته در طی دهه 1970 در کامبوج اتفاق افتاده رسیدگی کند؛ زیرا ماده 11 اساسنامه صریحاً اعلام می‌کند که دیوان نسبت به جرائم ارتكابی تا پیش از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه فاقد صلاحیت است [16، ص 133]. نهایتاً این که به منظور اجتناب از اتخاذ تصمیمات نادرست از طرف دادستان و یا عمل دادستان بنا به انگیزه‌های سیاسی، سه قاضی تصمیمات دادستان را مورد مذاقه قرار می‌دهند [23، ص 9].

2-2-6. تعلیق تعقیب از سوی شورای امنیت

بند 3 ماده 23 طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل بیان می‌داشت هیچ تعقیبی طبق این اساسنامه نمی‌تواند آغاز گردد اگر ناشی از وضعیتی باشد که در شورای امنیت به‌عنوان تهدید یا نقض صلح و امنیت بین‌المللی و یا عمل تجاوز مطابق فصل هفتم منشور در حال بررسی است، مگر آن که شورای امنیت به گونه‌ای دیگر تصمیم بگیرد. این مقرر به یک عضو شورای امنیت اجازه می‌داد تا با قرار دادن موضوع در دستور کار شورا مانع تعقیب دیوان شود، چیزی که تنها می‌توانست با تصمیم خود شورا ملغی شود و تصمیم خود شورا نیز می‌توانست در هر زمان توسط یکی از پنج عضو دائم شورا با اعمال حق وتو بلوکه شود. پیشنهاد کمیسیون حقوق بین‌الملل به دلیل مداخله در استقلال و بی‌طرفی دیوان با انتقاد شدید مواجه گردید [16، ص 88]. اکنون به موجب ماده 16 اساسنامه،

شورای امنیت در اجرای فصل هفتم منشور می‌تواند از دیوان درخواست کند تحقیق یا تعقیب را برای یک دوره 12 ماهه قابل تجدید، متوقف کند. هدف ماده این است که وقتی تحقیق دیوان ممکن است در مذاکرات دیپلماتیک در حال انجام که برای امنیت بین‌المللی لازم است مداخله محسوب شود، به شورای امنیت اجازه دهد جلوی اقدام دیوان را بگیرد [25، ص 15].

برای ارزیابی تأثیر ماده 16 بر استقلال دیوان باید دید آیا دیوان می‌تواند تقاضای تعلیق رسیدگی را رد کند و تقاضای تعلیق تعقیب تا چه زمانی می‌تواند ادامه داشته باشد. به نظر نمی‌رسد ماده 16 در این زمینه به دیوان اختیاری اعطا کرده باشد [26]. شورای امنیت می‌تواند نه تنها تعقیب بلکه تحقیق را برای مدت زمان نامحدود مانع شود که این موضوع سد محکمی در برابر استقلال دادستان و دیوان است. با وجود این، ماده 16 نسبت به بند 3 ماده 23 پیش‌نویس اساسنامه یک پیشرفت محسوب می‌شود [27، ص 423؛ 26، ص 233]. ماده 16 اختیار اقدامات پیشگیرانه بیشتری را به این شورا نمی‌دهد؛ زیرا شروع تحقیقات اولین مرحله انجام رسیدگی به وسیله دادستان نیست. برعکس از بند 6 ماده 15 اساسنامه این طور استنباط می‌شود که خود اساسنامه رسماً بین مرحله انجام تحقیقات از یک سو و مرحله بررسی مقدماتی که از سوی دادستان قبل از ارجاع به شعبه مقدماتی حسب بند 4 ماده 15 انجام می‌شود از سوی دیگر، قائل به تفکیک شده است. از این رو قدرتی که شورای امنیت در جلوگیری از شروع تحقیقات حسب ماده 16 دارد، فقط تحقیقات صورت گرفته به وسیله دادستان بعد از ارجاع شعبه مقدماتی (بند 4 ماده 15) را شامل می‌گردد. اما این شورا هرگز نمی‌تواند در فعالیت‌های دیوان قبل از ارجاع به شعبه مقدماتی مداخله کند [26، ص 231]. اگرچه شورای امنیت از آزادی عمل گسترده‌ای برای صدور قطعنامه براساس فصل هفتم منشور برخوردار است، اما وظیفه دارد طبق اهداف و اصول سازمان عمل کند [26، ص 113-244].

7. استقلال دیوان در امور اداری

در این مورد در رابطه با دیوان، در نخستین گام بند 1 ماده 4 اساسنامه، حائز اهمیت است. به موجب این بند شخصیت حقوقی بین‌المللی برای دیوان به رسمیت شناخته شده است. در حقوق بین‌الملل سازمان‌های بین‌المللی بین‌دولتی به دلیل داشتن اراده‌ای مستقل و صلاحیتی متمایز از دولت‌ها، به‌عنوان اشخاص حقوقی حقوق عمومی بین‌الملل شناخته می‌شوند. لذا یکی از خصیصه‌های بارز داشتن شخصیت حقوقی بین‌المللی، برخورداری از استقلال در امور اداری است.

در گذشته مسائل مربوط به نظم دادن به امور اداری و کنترل فعالیت نهادهای سازمان‌های بین‌المللی علی‌الاصول با دولت‌هایی بود که این سازمان‌ها در قلمرو آن‌ها ایجاد می‌شدند؛ ولی امروزه معمولاً خود سازمان‌های بین‌المللی دارای ارگان‌های اداری دائمی هستند [14، ص 37]. دیوان بین‌المللی کیفری هم از این قاعده مستثنا نیست. به موجب قسمت «الف» بند 3 ماده 38 اساسنامه، اداره صحیح دیوان به هیأت رئیسه سپرده شده است که به دلالت بند 1 از همین ماده، متشکل از یک رئیس و معاونان اول و دوم است که با رأی اکثریت مطلق قضات برای یک دوره قابل تجدید سه ساله انتخاب خواهند شد.

اساسنامه دیوان، به موجب بند 1 ماده 43 بین‌مدیریت امور قضایی و غیرقضایی به‌درستی قائل به تفکیک شده است. این تفکیک نشان می‌دهد که تدوین‌کنندگان اساسنامه تقویت استقلال و بی‌طرفی قضات را در نظر داشته‌اند. به‌علاوه، رئیس دبیرخانه، از طریق رأی مخفی اکثریت مطلق قضات برای یک دوره قابل تجدید پنج ساله انتخاب خواهد شد و وظایفش را تحت نظارت رئیس دیوان انجام خواهد داد (بندهای 4 و 2 ماده 43 اساسنامه ر.م). به موجب بند 1 ماده 14 قواعد وادله دیوان نیز مقررات نظارتی که رئیس دبیرخانه برای ایفای مسؤولیت سازماندهی و مدیریت دبیرخانه تهیه می‌کند به وسیله هیأت رئیسه دیوان که منتخب قضات است تصویب خواهد شد. این



راهکار می‌تواند تسلط قضات را از طریق هیأت رئیسه بر دبیرخانه به‌خوبی حفظ کند. با وجود این، قسمت «ب» بند 2 ماده 112 نظارت اداری بر هیأت رئیسه، دادستان و رئیس دفتر دیوان را بر عهده مجمع دولت‌های عضو گذاشته است.

8. استقلال دیوان در امور مالی

با توجه به هزینه بالای اجرای عدالت بین‌المللی، تأمین هزینه‌های مورد نیاز به روش صحیح برای استقلال دادگاه‌های بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است [23]، ص 10]. هزینه عملیاتی دیوان بین‌المللی کیفری به تعداد و ماهیت پرونده‌های مطروح در آن بستگی دارد [28، ص 30]. اساسنامه رم ساختار شبکه مالی دیوان را ضمن فصل دوازدهم (مواد 113 تا 118) مشخص کرده است. مستتیب از ماده 113 اساسنامه، تمام مسائل مالی مربوط به دیوان و مجمع دولت‌های عضو از جمله دبیرخانه و ارکان فرعی آن تابع اساسنامه و مقررات و قواعد مالی مصوب مجمع دولت‌های عضو است. مجمع دولت‌های عضو در نخستین جلسه عمومی که از سوم تا دهم سپتامبر 2002 در نیویورک تشکیل شد مقررات و قواعد مالی [29] را به تصویب رسانید. این مقررات در سال‌های 2005، 2007 و 2008 توسط مجمع دولت‌های عضو مورد اصلاح قرار گرفته است. با توجه به مقررات اساسنامه و قواعد و آیین‌نامه‌های مالی، دیوان از منابع زیر به طور مستقیم یا غیر مستقیم تأمین مالی می‌شود:

الف) سهام مقرر دولت‌های عضو (بند «الف» ماده 115) و هزینه‌های مربوط به اجرای درخواست همکاری در قلمرو دولت مورد درخواست (بند 1 ماده 100)؛ ب) وجوهی که سازمان ملل با تصویب مجمع دولت‌های عضو پرداخت می‌کند (بند «ب» ماده 115)؛ ج) کمک‌های داوطلبانه حکومت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، افراد، بنگاه‌ها و منابع دیگر (ماده 116)؛ د) استفاده از کارکنان رایگان که توسط دولت‌های عضو در اختیار دیوان گذاشته می‌شود (بند 4 ماده 44)؛ ه) جزایهای نقدی، عواید و اموال و دارایی‌هایی که به نحو مستقیم یا غیرمستقیم از ارتکاب جرم حاصل شده باشد (بند 2 ماده 77).

به موجب ماده 115 اساسنامه، هزینه‌های دیوان و مجمع دولت‌های عضو از جمله دبیرخانه و ارکان فرعی آن از سهام مقرر دولت‌های عضو و جوهی که سازمان ملل متحد با تصویب مجمع دولت‌های عضو پرداخت می‌کند، به‌ویژه در مورد هزینه‌هایی که ناشی از ارجاع شورای امنیت است، تأمین می‌شود. در جریان مذاکرات استدلال شد که وابسته بودن یک رکن قضایی به سازمانی سیاسی صحیح نیست و تأمین بودجه آن از سوی سازمان ملل متحد موجب خواهد شد که دیوان استقلال کامل نداشته باشد. در این رابطه برخی سازمان‌های غیردولتی که خواستار تأسیس دیوان با اختیارات وسیع در زمینه جنایات علیه بشریت بودند، وابسته بودن آن به سازمان ملل متحد را از لحاظ مالی مقرون به مصلحت نمی‌دانستند؛ زیرا در چنین صورتی بودجه دیوان باید شامل مقررات حسابرسی سازمان ملل متحد می‌شد که به محرمانه بودن بعضی از بررسی‌ها از سوی دیوان خدشه وارد می‌ساخت [19، ص 256]. نهایتاً ماده 115 تعادل ظریفی بین دیدگاه‌های متضاد به وجود آورد، به این صورت که بیش‌ترین مسئولیت تأمین بودجه بر عهده دولت‌های عضو نهاده شد و کمک‌های سازمان ملل مستثنا نشد. به‌ویژه جمله‌بندی بند «ب» ماده 115 به‌دقت تنظیم شده، زیرا کمک‌های سازمان را فقط به هزینه‌هایی که به موجب ارجاعات شورای امنیت ایجاد می‌شود، محدود نکرده است. به موجب ماده 117 اساسنامه، سهم هریک از کشورهای عضو به موجب جدولی که اعضا بر روی آن توافق کرده‌اند تعیین خواهد شد. این جدول مبتنی بر جدولی است که سازمان ملل متحد برای بودجه عادی خود تصویب کرده است.

اگرچه ساز و کار موجود می‌تواند معیارهای عینی استقلال مالی دیوان را به نمایش گذارد، باید اذعان کرد با توجه به این‌که مطابق اساسنامه رم، کمک‌های سازمان حتی در مواردی که ارجاع از طرف شورای امنیت صورت گرفته باشد اجباری نیست و به توافق بین دیوان و سازمان موکول شده است. لذا با در نظر گرفتن این واقعیت که اغلب کشورهای صاحب نفوذ و دارای حق و تو در شورای امنیت عضو اساسنامه نیستند، بیم آن می‌رود این شورا با هدف اخلال در کار دیوان وضعیت‌هایی را به دیوان ارجاع دهد

که می‌توانند دیوان را با کسری بودجه مواجه سازند و از این طریق مانع فعالیت مؤثر و مستقل دیوان و قضات آن شود.

9. انتخاب قضات دیوان با توجه به اصل استقلال

فرایند انتخاب قضات باید تضمین کند که قضات بین‌المللی تا نهایت ممکن مستقل هستند [30]. فصل چهارم اساسنامه رم با عنوان «تشکیلات و اداره دیوان» (مواد 35-52 اساسنامه) در بردارنده مقررات مختلفی از جمله ارکان دیوان، شرایط نامزدی، انتخاب قضات و انجام وظیفه آنان است. هجده قاضی باید توسط مجمع دول عضو انتخاب شوند که سه نفر از آنها هیأت رئیسه را تشکیل می‌دهند (مواد 36 و 38 اساسنامه). در هر انتخاب، هر کشور عضو تنها یک نفر را برای دیوان می‌تواند نامزد کند (جزء «ب» قسمت 2 بند 4 ماده 36 اساسنامه). این قاضی لازم نیست حتماً از اتباع دولت معرفی‌کننده باشد؛ ولی باید تبعه یکی از دول عضو باشد. برخی معتقدند مجمع دولتهای عضو، قضات دادگاه را انتخاب می‌کند و لذا قضات توسط سیاستمداران و دیپلمات‌ها انتخاب می‌شوند که بدین ترتیب عنصر سیاسی در نظام انتصاب دخیل است. بهتر این بود که انتصاب قضات توسط کمیته‌ای مستقل صورت می‌گرفت. برای نمونه کمیته‌ای متشکل از دانشگاهیان و حقوقدانان بین‌المللی که قضات را تنها براساس تجربه و کیفیت کارشان پیشنهاد و انتخاب کند. در رابطه با وجود یا عدم وجود نوعی فرایند ارزیابی برای نامزدهای احتمالی منصب قضایی در کنفرانس رم بحث‌های گسترده‌ای صورت گرفت. برای مثال نماینده انگلستان نوعی کمیته ارزیابی متشکل از قضات عالی‌رتبه هریک از دولتهای عضو را پیشنهاد کرد، این کمیته می‌توانست نامزدها را ارزیابی کند، در صورت لزوم اطلاعات بیشتری در مورد آنها به دست آورد و پیشنهادهایی ارائه دهد. با وجود این، از این پیشنهاد حمایت نشد [27، ص 421]. اکنون قضات باید از میان افرادی که دارای سجایای عالی اخلاقی بوده، به بی‌طرفی و کمال شناخته شده باشند انتخاب شوند (بند 3 ماده 36 اساسنامه). این عبارت در

بسیاری از اسناد بین‌المللی دیگر نظیر اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در گردیده است. قضات باید حائز شرایط لازم برای تصدی عالی‌ترین مقامات قضایی در کشور خود باشند، همچنین باید دانش کافی و تسلط به یکی از زبان‌های کاری دیوان یعنی انگلیسی یا فرانسه داشته باشند. اساسنامه اجازه می‌دهد تا برای بررسی صلاحیت داوطلبان یک کمیته مشورتی تشکیل گردد (جزء «ج» قسمت 2 ماده 36 اساسنامه). در میان مقررات اساسنامه، دو مسأله قابل توجه در رابطه با موضوع بحث وجود دارد، نخست روش معرفی نامزدهای احراز منصب قضاوت در دیوان از طرف دولت‌های عضو به مجمع عمومی و شیوه ارزیابی صلاحیت آن‌ها و سپس طول مدت خدمت قضات است. به‌علاوه، هنگام انتخاب قضات دیوان، افراد باید به گونه‌ای انتخاب گردند که به طور کلی نمایندگی تمدن‌های مهم و نظام‌های حقوقی اصلی جهان تضمین شود (ماده 9 اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری) [8]. به موجب قسمت «الف» بند 8 ماده 36 اساسنامه رم نیز برای انتخاب قضات دولت‌های عضو باید به رعایت توزیع عادلانه جغرافیایی و نمایندگی قضات از نظام‌های اصلی حقوقی جهان توجه کنند.

قضات دیوان منتخب مجمع دولت‌های عضو هستند که در آن هر دولت یک عضو دارد و نامزدهای پیروز نیاز به کسب اکثریت دو سوم آرای مجمع دولت‌های عضو دارند (جزء «ب» بند 2 ماده 36 اساسنامه). بنابراین، قضات نمایندگان دولت‌های خود نیستند، بلکه در مجموع اعتماد و حمایت جامعه بین‌المللی را دارند. قضات برای یک دوره 9 ساله انتخاب می‌شوند (بند 9 ماده 36 اساسنامه) و در اصل امکان مجدد انتخاب آن‌ها وجود ندارد. این به معنای تقویت استقلال قضایی است. حقوق قضات را که توسط مجمع دولت‌های عضو مشخص می‌شود نمی‌توان در مدت تصدی قضات کم کرد (ماده 49 اساسنامه). این ساز و کار مانع فشار مالی برای تأثیر بر قضات دیوان است. هیچ‌یک از قضات چه قضات تمام وقت و چه قضات پاره وقت نباید به فعالیتی بپردازند که با وظایف آن‌ها ناسازگار بوده، استقلال آن‌ها را مورد تردید قرار می‌دهد (بند 3 ماده 40 اساسنامه). با توجه به این شرایط به مقامات ارشد یا دیپلمات‌ها



نمی‌توان اجازه داد تا به‌عنوان قاضی پاره‌وقت انجام وظیفه کنند [16، ص 201]. مدت مأموریت قاضی می‌تواند تأمین مهم علیه فشار یا تأثیری که توسط دیگر مراجع بر او اعمال می‌شود را شکل دهد. چنانچه مدت تصدی بسیار کوتاه باشد، خصوصاً اگر قاضی برای تجدید انتصاب خود یا دیگر ملاحظات آینده‌نگرانه به نهاد اجرایی وابسته باشد، می‌تواند قاضی را برابر فشارهایی که برای صدور آرای خاص وارد می‌شوند، بدون حفاظ باقی گذارد [31، ص 4]. به‌علاوه، مؤثرترین تأمین برای استقلال قضات غیر قابل عزل بودن آن‌ها است. به‌طور کلی قاضی را از زمانی که در منصب قضا قرار گرفت نمی‌توان به بهانه انتقال، مأموریت، کمک به بخش دیگر و یا حتی ترفیع، بدون این‌که در این رابطه آزادانه رضایت داشته باشد جابه‌جا کرد [12، ص 11].

10. نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد اساسنامه رم و دیگر قوانین و مقررات حاکم بر دیوان بین‌المللی کیفری با در نظر گرفتن اصول و معیارهای تأمین‌کننده استقلال قضایی تدوین یافته باشند. بررسی انجام شده نشان می‌دهد این مقررات سطح بالایی از حمایت از اصل استقلال قضایی را برای دیوان بین‌المللی کیفری و قضات آن مقرر داشته‌اند. اما، این اندازه از حمایت، برای رسیدن به استقلال کامل هنوز فاصله بسیار دارد. نمایندگان تام‌الاختیار دولت‌ها در یک کنفرانس بین‌المللی اجماع کرده، مطابق آیین‌نامه‌های حقوقی متداول برای معاهده‌سازی به تدوین و انعقاد اساسنامه رم مبادرت کردند. لذا دیوان مبتنی بر اصول و هنجارهای حقوق بین‌الملل است و مشروعیت قانونی دارد. مقررات اساسنامه عطف به ماسبق نمی‌شوند و نسب به کلیه کسانی که مشمول صلاحیت آن باشند به صورت یکسان اعمال خواهند شد. دیوان از استقلال اداری برخوردار است و منابع مالی کافی برای انجام فعالیت‌هایش در اختیار دارد. با وجود این، مقررات مربوط به تعلیق تعقیب بنا به درخواست شورای امنیت، الزامی نبودن کمک‌های سازمان ملل به دیوان در موارد ارجاع وضعیت‌ها از طرف شورای امنیت، علمی و تخصصی نبودن

فرایند انتخاب قضات، مدت کوتاه دوره‌های خدمت قضات، و عدم تفکیک بین فرایند پیشنهاد و تنظیم لایحه بودجه جداگانه برای بخش‌های مجزای دیوان (دادسرا و شعب) از جمله مواردی هستند که برای تأمین کامل استقلال قضایی و قضات آن سودمند نیست. بدیهی است به منظور تأمین استقلال قضایی و در نتیجه ایجاد زیربنای مناسب برای برپایی دادرسی‌های عادلانه باید ماده 12 اساسنامه حذف شود یا حتی‌الامکان از طریق اصلاح اساسنامه برای انجام درخواست تعلیق تعقیب از طرف شورای امنیت از دیوان، محدودیت‌هایی اعمال گردد. همچنین مقررات مرتبط با کمک‌های داوطلبانه باید مورد بازبینی قرار گیرد و از طریق اصلاح ماده 116 اساسنامه یا گنجاندن مواد دیگر در اساسنامه کمک‌های سازمان ملل به دیوان در موارد ارجاع و وضعیت‌ها از طرف شورای امنیت به دیوان الزامی شمرده شود و برای عدم پرداخت آن ضمانت اجرای مناسب در نظر گرفته شود. همچنین مقررات مربوط به استخدام قضات دیوان باید بازبینی شود و حتی‌الامکان فرایند معرفی و ارزیابی قضات برای احراز مناصب قاضی دیوان به کمیته‌های بی‌طرف و متخصص که متشکل از علمای حقوق و اساتید دانشگاه، وکلا و قضات مشهور و طراز اول در سطح بین‌المللی باشند، سپرده شود. نیز ضروری است از طریق اصلاح اساسنامه، دوره خدمت قضات دیوان افزایش یافته، از طریق اصلاح آیین‌نامه‌ها و قواعد مالی مقرر شود که دو پیشنهاد بودجه یکی از طرف دادسرا و دادستان و دیگری از طرف قضات دیوان تنظیم و برای تصویب به مجمع دولت‌های عضو فرستاده شود.

11. منابع و مأخذ

[1] Tiwari, Neeraj, "Fair Trail vis-a-vis Criminal Justice Administration: A Critical Study of Indian Criminal Justice System", *Journal of Law and Conflict Resolution*, vol. 2 no.4, 2010 .

[2] صفری، سجاد، «دادرسی عادلانه»، *تعالی حقوق*، 1388.

- [3] Lawyers Committee for Human Rights, “What is Fair Trial? A Basic Guide to Legal Standards and Practice”, March 2000, p 1-4. http://www.humanrightsfirst.org/wp-content/uploads/pdf/fair_trial.pdf .
- [4] “Human rights in the Administration of Justice: a Manual on Human Rights for Judges, Prosecutors and Lawyers”, *Professional Training Series No. 9 Office of the High Commissioner for Human Rights in Cooperation with the International Bar Association* .
- [5] کسسه، انتونیو، حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه حسین پیران و اردشیر امیر ارجمند و زهرا موسوی، تهران، جنگل، ۱۳۸۷.
- [6] Bangmwabo, F. X. , “The Right to an Independent and Impartial Tribunal: A Comparative Study of the Namibian Judiciary and International Judges”, http://www.kas.de/upload/auslandshomepages/Namibia/Independence_judiciary/bangmwabo.pdf, last visited 14 Nov. 2014 .
- [7] فضائلی، مصطفی، *دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۷.
- [8] سادات میدانی، حسین، *دادرسی‌های بین‌المللی دیوان بین‌المللی دادگستری*، تهران، جنگل، ۱۳۸۸.
- [9] <http://www.icc-cpi.int/Menus/ASP/states+parties/> (last visited on 14 Dec. 2014).
- [۱۰] طهماسبی، جواد، *صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی*، تهران، جنگل، ۱۳۸۸.
- [11] “Regulations of the Court”, Adopted by the judges of the court on 26 May 2004, Fifth plenary Session, The Hague, 17- 28 May 2004, *Official documents of the International Criminal Court*, ICC-BD/01-01-04 .
- [12] Danilet, Cristi, *Independence and Impartiality of Justice*, International

Standards, 2000, at: <http://medel.bugweb.com/usr/Independence%20and%20Impartiality%20of%20Justice-1.pdf>, last visited 14 Nov. 2014.

- [۱۳] خالقی، علی، *جستارهایی از حقوق جزای بین‌الملل*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۸.
- [۱۴] تقی‌زاده انصاری، مصطفی، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران، قومس، ۱۳۸۰.
- [۱۵] ضیائی‌بیگدلی، محمد رضا، *حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۳.
- [۱۶] شبث، ویلیام، *مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی*، ترجمه سید باقر میرعباسی و حمید الهویی نظری، تهران، جنگل، ۱۳۸۴.
- [۱۷] ذوالعین، پرویز، *حقوق دیپلماتیک*، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶.
- [۱۸] سی. جویندر، کریستوفر، *حقوق بین‌الملل در قرن بیست و یکم*، ترجمه عباس کدخدایی و امیر ساعد وکیل، تهران، میزان، ۱۳۸۷.
- [۱۹] آل حبیب، اسحاق، *دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران*، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸.
- [20] “Negotiated Relationship Agreement between the International Criminal Court and the United Nations”, Preamble, para4. Online available at: <http://www.iccpi.int/Menus/ICC/Legal+Texts+and+Tools>
- [۲۱] شریعت باقری، محمد جواد، *حقوق کیفری بین‌الملل*، تهران، جنگل، ۱۳۸۸.
- [۲۲] آقائی جنت مکان، حسین، «نظارت قضایی بر تشخیص دادستان دیوان بین‌المللی کیفری»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، س ۲۵، ش ۳۹، ۱۳۸۷.
- [23] Hyun song, Sang, “The Independence of the ICC and Safeguards against Political Influence”, A paper prepared for the symposium on the international criminal court, Beijing – Chine, 2007, at: <http://www>.



icclr. law. ubc. ca/Site%20Map/ICC/IndependenceofICC. pdf .

[۲۴] آقای جنت مکان، حسین، «ارزیابی احتمال تعلیق وضعیت دارفور سودان از سوی

شورای امنیت»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، س ۲۶، ش ۴۱، ۱۳۸۸.

[25] Skinner, Eileen, “Ensuring the Independence of the International Criminal Court”, International Center for Criminal Law Reform and Criminal Justice Policy, Canada, 2006, at [http://www.icclr.law.ubc.ca/Publications/ Reports/ES%20paper%20 -%20ICC%20and%20China.pdf](http://www.icclr.law.ubc.ca/Publications/Reports/ES%20paper%20-%20ICC%20and%20China.pdf), last visited 14 Nov. 2014 .

[۲۶] استان، کارستن، «معافیت نیروهای حافظ صلح دولت‌های غیر عضو اساسنامه ICC

از صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی ابهامات قطعنامه ۱۴۲۲ شورای امنیت»،

ترجمه سید حسام‌الدین لسانی، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۳۲، ۱۳۸۴.

[27] De bertodano, Sylvia, “Judicial Independence in the International Criminal Court”, *Leiden Journal of International Law*, Volume 15 issue 02, 2002, at <http://journals.cambridge.org/action/displayAbstract?fromPage=online&aid=208121>, last visited 14 Nov. 2014 .

[28] Romano, Cesare and Ingadottir, Thordis, “The Financing of the International Criminal Court a Discussion Paper”, 2003, p28. http://www.pict-pcti.org/publications/ICC_paprs/FinancingICC.pdf .

[29] “Financial Regulations and Rule Adopted by the Assembly of States Parties”, First Session, New York, 3-10 September 2002, official records ICC-ASP/1/3 .

[30] Bohlander, Michael, “The International Criminal Judiciary – Problems of Judicial Selection: Independence and Ethics”, p6. <http://www.ssrn.com/abstract=1592840>, last visited 14 Nov. 2014 .

[31] Mansson, Andres, “Judicial Independence under the Case-law of

European Court Human Rights”, Lecture at Venice commission seminar in Trieste, September 28, 2009, at <http://www.docstoc.com/docs/42423878/Judicial-independence-under-the-case-law>, last visited 14 Nov. 2014 .